

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره چهاردهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵

بررسی ساختاری نماد در ادبیات عاشورایی (علمی- پژوهشی)

دکتر مرضیه محمدزاده^۱

چکیده

سوگینه (تراژدی) شهادت امام حسین^(ع) و یارانش در محرم سال ۶۱ هجری صورت پذیرفت. نپذیرفتن بیعت با یزید، بهانه‌ای شد تا مخالفان اهل بیت، این کار شنیع را انجام دهند. این واقعه تلخ، در بدو امر، موجی از اندوه را در شهرهای مهمی چون مکه، مدینه و کوفه به وجود آورد که به تدریج دامنه آن وسیع و تمام کشورهای اسلامی را در بر گرفت؛ به طوری که زنده نگاه داشتن این تراژدی وارد فرهنگ مسلمانان و به ویژه شیعیان گردید. شیعیان سراسر جهان در طول تاریخ برای حفظ و زنده نگاه داشتن این واقعه حزین، در عزاداری خود از نمادهایی استفاده کردند که با گذشت زمان در قالب آئین‌های ویژه در محرم و صفر برگزار می‌گردد. تنوع و فراوانی این نمادها، گویای تأثیر عمیقی است که فاجعه عاشورا در فرهنگ شیعیان از خود به جای گذاشته است. این نمادها در فرهنگ‌های مختلف کشورهای اسلامی، اسامی متفاوتی دارند. علل و چگونگی به-کارگیری نمادهای عزاداری در کشورهای مختلف اسلامی، به ویژه آسیب‌شناسی این نمادها از حیث تأثیر منفی که بر اصل هدف امام حسین^(ع) از قیام خود گذاشته است، موضوع اصلی این مقاله است. در این نوشتار به جایگاه نمادین عناصر مادی و غیرمادی این نهضت معنوی اشاره می‌شود. بنیاد مقاله بر پایه پژوهش توصیفی-کتابخانه‌ای استوار است. ضمن معرفی نمادهای عاشورایی، به آفتهایی که سبب وهن و یا انحراف سوگواره‌های مذهبی می‌گردد، نیز اشاره می‌شود و در پایان و در قالب نتیجه‌گیری، پیش‌نهادهایی ارائه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات عاشورایی، امام حسین^(ع)، عزاداری، نماد، شعر مقاومت.

^۱ . مؤلف و پژوهشگر دانشنامه جهان اسلام mohammadzadeh37@yahoo.com

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۳/۲/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۱

۱- مقدمه

نماد (سمبل) نشانه‌ای که حاکی از وجود مستقل شیء دیگر غیر از خودِ نشانه است مثل اشخاص، علائم، کلمات و اعداد. نماد در ادیان از قدیمی‌ترین زمان مرسوم بوده است و در این زمان به صورت ترکیبات پیچیده‌ای معمول است و از مفاهیم بسیار مهم در جامعه‌شناسی ارتباطات به حساب می‌آید. نمادها از نظر جامعه‌شناسی، جلوه‌هایی عینی هستند که معانی شناخته شده توسط همه یا بیشتر افراد جامعه را به نمایش می‌گذارند (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه نماد). نمادپردازی (سمبولیسم) عمل یا هنر به کار بستن نمادها، مثلاً با قائل شدن معانی نمادی برای اشیاء یا بیان کردن موجودات نامرئی یا نامحسوس به وسیله نمایش دادن آن‌ها به صورت مرئی و محسوس است. نمونه‌های سمبولیسم در مذاهب فراوان است. در آداب و مناسک اسلامی فرض وجود نوعی سمبولیسم سابقه‌ای دراز دارد و مخصوصاً صوفیه و حکما برای بعضی مناسک یا تمام آنها معانی نمادی قائل بوده‌اند؛ مثلاً ابن عربی، برداشتن دست را در حال نماز، نشانه اقرار عبد می‌داند به این که در پیشگاه خدا دستش خالی است و ثروت و قدرتی ندارد؛ همچنین، غزالی پوشیدن لباس احرام را در حج کنایه از توجه انسان می‌داند به این که در هنگام ملاقات با پروردگار خویش - چنانکه در گور - جز یک کفن نخواهد داشت.

۱-۱- بیان مسئله

نمادهای عاشورایی چه تأثیری بر اصل هدف قیام عاشورا دارند؟ این نمادها که در فرهنگ‌های مختلف، نام‌های گوناگون دارند و دارای خاستگاه مختلفی نیز هستند، تأثیرات مختلف مثبت و منفی بر اصل هدف قیام عاشورا دارند و در این مقاله به میزان تأثیر نمادها در تقویت و یا تحریف این قیام پرداخته شده است.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

تنزیه واقعه عاشورا از پیرایه‌هایی که در طول قرن‌ها به گرد آن تنیده شده است برای بازشناسی اصل واقعه و پدیدآورندگان آن، ضرورتی تاریخی است. با توجه به اهمیتی که

مسلمانان و به‌ویژه شیعیان برای این نهضت خونبار قائلند، اهمیت شناسایی نمادها و نشانه‌های به‌کار رفته در آیین بزرگداشت این واقعه عظیم و منشأ پیدایش آن نمادها و تأثیری که در پایداری و یا تحریف و انحراف این رویداد عظیم بشری دارد، پیش روی هر محقق و پژوهشگری که در این عرصه به تحقیق می‌پردازد، محرز می‌باشد و با توجه به اینکه به این موضوع در متون متأخر تاریخی شیعه کمتر پرداخته شده است، به جهت روشن شدن ابعاد آسیب‌شناسی نهضت، وجه اهتمام این مقاله قرار گرفته است.

۱-۳- پیشینه پژوهش

بنا بر قول مشهور بسیاری از تذکره‌نویسان، اولین مرثیه‌ای که سروده شده است، شعر حضرت آدم ابوالبشر در رثای فرزندش هابیل بوده است (افسری کرمانی، ۱۳۸۱: ۱۶). در اسلام، پیامبر اکرم (ص) در عزای شهادت حمزه و جعفرین ابی‌طالب و بسیاری دیگر از اصحابش، به شدت متأثر شده و گریستند و حتی اصحاب را به عزاداری برای ایشان تشویق کردند (ابن هشام، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۲۲؛ واقدی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۲۲۸؛ ابن کثیر، ۱۹۳۲: ج ۳، ۹۵؛ ابن ماجه، ۱۳۷۳: ج ۱، ۵۰۷). تأثیر مثبت و تاریخی این اقدام پیامبر اسلام (ص) موجب شد که از آن پس تا واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) پیش از هر عزاداری و در هر مجلسی تعزیت حمزه خوانده می‌شد و این امر به صورت سنتی در جامعه رواج یافته بود (ابن سعد، ۱۴۰۵: ج ۲، ۲۲۴؛ ابن عبدربه، ۱۳۹۲: ج ۳، ۱۹۱).

۲- بحث

۲-۱- تأثیر عاشورا در فرهنگ اسلامی

عاشورا حادثه‌ای است در جهان اسلام که هیچ واقعه دیگری چه از لحاظ اهمیت و چه از لحاظ پیامدها و نتایج با آن برابری نمی‌کند که این موضوع به دلایلی چند است:

۲-۱-۱- محبوبیت امام حسین (ع) در نزد جلدش: تکریم و احترامی که پیامبر اسلام (ص) به دو نوه خود یعنی حسنین علیهما السلام می‌گذاشت، مورد تأیید تمامی مذاهب اسلامی

است؛ به طور مثال موارد زیر از سوی تمام کتب شیعه و سنی به تأیید رسیده است که پیامبراسلام(ص) در مورد آنان فرموده است: «حسین از من است و من از اویم» (ر.ک: بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰: ج ۳، ۱۴۲؛ ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۳۲۴)؛ «حسن و حسین سید جوانان بهشت هستند» (خطیب بغدادی، ج ۱۰، ۲۳۱؛ ابن عبدربه، ۱۳۹۲: ج ۲، ۲۱۶). شواهد تاریخی نشان می‌دهد که پیامبراسلام(ص) هنگام تولد امام حسین^(ع) یعنی سال‌ها قبل از وقوع حادثه عاشورا بر مصیبت کربلا گریسته است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۳، ۱۷۷؛ ابن اعثم کوفی، ۱۳۹۵: ج ۵، ۱۳۰).

۲-۱-۲- امام حسین^(ع) در زمان شهادت خود از منتقدترین و مورد احترام‌ترین افراد در نزد مسلمانان بود. علانلی، نویسنده سنی مذهب، می‌گوید: اختلافی نیست در اینکه حسین، محبوب هر کس و برگزیده و پسندیده تمام قبایل و طبقات مردم بود. جاذبه او آنچنان در مردم نفوذ داشت که او را تقدیس می‌کردند و با دیده‌ای بالاتر از آنکه به دیگران می‌نگریستند، به او نگاه می‌کردند (علانلی، ۱۹۷۲: ۱۳۹).

۲-۱-۳- هولناک و بی سابقه بودن نحوه قتل عام نوه پیامبراسلام(ص) و خاندان و یاران معدودش موجب بروز موجی از خشم و کینه نسبت به خاندان اموی گردید و از سویی اندوه و مظلومیت را برای بازماندگان امام حسین(ع) فراهم آورد.

۲-۱-۴- حضور پیام‌آوران و وقایع‌نگارانی که واقعه عاشورا را به طور مستقیم دیده و با ذکر جزئیات به مردم شهرهای مختلف اسلامی (کوفه، شام، مکه و مدینه) انتقال دادند؛ به طوری که رفته رفته احترام و زنده نگاه داشتن این تراژدی، وارد فرهنگ مسلمانان و به ویژه شیعیان گردید.

۲-۱-۵- عکس‌العملی که جامعه مسلمان و به خصوص شیعی در مقابل این حادثه نشان داد، مهم است. شیعیان شروع به تبلیغات نمودند و چون دیدند از قیام مسلحانه نمی‌توانند نتیجه‌ای به دست آورند، عاشورا را وسیله‌ای برای بیدارگری و انگیزش اجتماعی کردند. تأثیری که این رخداد بر فرهنگ و ادب مسلمانان در کشورهای اسلامی باقی گذاشت، باعث پدید آمدن نوعی از نثر و نظم به نام عاشورانگاری و عاشوراسرایی گردید. اصلی‌ترین قالبی که برای جنایات امویان در روز عاشورا و پایداری حسین بن علی^(ع)، خاندان و

یاران او به ماندگاری و تازگی این نهضت کمک شایانی نمود، نظم و شعر بود. شعری که از قیام امام حسین^(ع) و شهادت ایشان و یارانش حکایت نماید را «رثا» و «مرثیه» می‌نامند. موضوع رثا بعدها علاوه بر جنبه‌های عاطفی، دارای جنبه‌های سیاسی گردید و اشعار شاعران مرثیه‌سرا به هدف مبارزه با خلافت بنی‌امیه و بنی‌عبّاس و به‌طورکلی با حاکمان ظالم به نظم درآمد. خوشدل تهرانی می‌سراید:

بزرگ فلسفهٔ نهضت حسین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

حسین مظهر آزادگی و آزادی است خوشا کسی که چنینش مرام و آئین است

نه ظلم کن به کسی نه به زیر ظلم برو که این مرام حسین است و منطق دین است
(شفق، ۱۳۷۷: ج ۱، ۳۴۵)

شیعیان سراسر جهان در طول تاریخ برای حفظ و زنده نگاه‌داشتن این واقعهٔ حزین و تأسف‌بار به عزاداری سالار شهیدان پرداختند و در عزاداری خود از نمادهایی استفاده کرده که با گذشت زمان این نمادها در قالب آئین‌های ویژه در طول دو ماه محرم و صفر برگزار می‌گردد.

۲-۲- سیر تکوین تاریخی عزاداری عاشورایی

فعالیت شیعه برای اولین بار در سال ۳۵۲ قمری، حدود سه قرن بعد از عاشورا به صورت بارز و آشکاری در تاریخ اسلام نمودار شد؛ بدین معنی که با قدرت یافتن سلسلهٔ آل‌بویه (۳۲۲-۴۴۸ق/۹۳۳-۱۰۵۶م) در بغداد معزالدوله دیلمی در عاشورای آن سال فرمان داد که مردم به سوگواری بپردازند. مورخان می‌گویند این نخستین روزی بود که برای شهدای کربلا به صورت رسمی و آشکار سوگواری شد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵-۱۳۸۶: ج ۸، ۵۴۹). با افول این سلسلهٔ قدرتمند شیعی، محدودیت‌های نگران‌کننده‌ای به‌وجود آمد؛ اما عزاداری بین شیعیان رواج داشت و اهل تسنن هم به این برنامه، روی خوش نشان می‌دادند. دو واعظ معروف اهل سنت به نام‌های علی بن حسین غزنوی و امیر عبادی به روضه‌خوانی پرداختند. ابن جوزی از منبرهای آنان مطالبی ارائه می‌نماید (ابن جوزی، ۱۳۵۹: ج ۸، ۸۰). در قرن نهم و

در دوران حاکمیت تیموریان (۷۷۱-۹۱۶ق)، واعظی از اهل تسنن، کتابی در مصائب اهل بیت و به خصوص عاشورا نگاشت و روضه خوانی را بین شیعیان گسترش داد (یافعی، ۱۴۱۳: ج ۳، ۲۴۶/ فقیهی، ۴۶۶). از روزگار صفویه (۹۰۷-۱۱۴۸ق/ ۱۵۰۲-۱۷۳۵م) که مذهب تشیع، مذهب رسمی ایران شد، حوادث عاشورا محور برنامه‌های شاهان صفوی قرار گرفت و هر سال بر اهمیت این عزای بزرگ مذهبی افزوده شد. امروزه در ایران، عراق، لبنان، هند، پاکستان و دیگر کشورها، شیعیان هر سال، روز عاشورا را به عنوان عزای بزرگ مذهبی تلقی می‌کنند. در این روز کسب و کار تعطیل می‌شود و مردم به سوگواری می‌پردازند و خاطره این عزای بزرگ را زنده نگاه می‌دارند.

در فرهنگ عاشورا، نمادها برگرفته از باورها و اعتقادات ژرف سوگوارانی است که سالیانی دراز با به نمایش درآوردن آنها معنا و مفهومی خاص را القا کرده و در تسلی عزاداران نقش مهمی را ایفا کرده‌اند و همچون مرثیه‌ای خاموش پیام خونین عاشوراییان را در کوچه پس کوچه‌های تاریخ واگویه کرده‌اند. نمادهای عاشورایی در بردارنده همه ابزار و مراسمی هستند که حامل پیامی برای سوگواران این قیام بزرگ می‌باشند و موارد زیر را شامل می‌شوند:

۲-۲-۱- سیاه پوش شدن: در محرم و صفر عزاداری و سوگواری در تمام شهرهای ایران و بعضی کشورها به اشکال مختلف برگزار می‌شود. پوشیدن جامه عزا که معمولاً سیاه، کبود یا نیلی است، از شایع‌ترین آنهاست. در این ایام بقاع متبرکه، مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، بازارها و مغازه‌ها سیاه پوش می‌گردند و بر فراز خانه‌ها و اماکن مقدّس عَلم مشکی برافراشته می‌گردد. همچنین با پارچه‌هایی مشکی که مزین به اشعار محتشم کاشانی شاعر عصر صفوی (م. ۹۹۶ق/ ۱۵۸۸م) است که با خط نستعلیق نوشته شده و نام آن کتیبه می‌باشد، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و یا مجالسی را که در آنها اقامه عزا می‌شود، سیاه پوش می‌کنند.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین

بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

(محتشم کاشانی، ۲۸۰)

۲-۲-۲- سوگواری و روضه خوانی

از دیگر جلوه‌های مهم و مؤثر و وسیع در رثای امام حسین^(ع) و عظمی و خطابه می‌باشد که در طول تاریخ پس از شهادت امام حسین^(ع) خطیبان توانسته‌اند شیعیان را با ذکر مصیبت‌های آن حضرت متأثر نمایند. علاوه بر آل‌بویه حکومت فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ ق) نیز سوگواری را در مصر اشاعه دادند. در سال (۳۶۰ ق) شیعیان مصر دوره عاشورا را ایام ماتم و اندوه به حساب آوردند و در آیین‌های سوگواری خود نوحه خوانی می‌کردند. در عهد صدارت افضل بن بدرالجمال (۴۵۸-۵۱۵ ق/ ۱۰۶۶-۱۱۲۱ م)، وزیر مشهور فاطمیان، در مسجد حسینی قاهره، بوریها فرس شد و شعرا مرثیه‌هایی را که به یاد مظلومیت و شهادت حسین^(ع) سروده بودند، در میان ناله و زاری و هم‌خوانی جمعیت می‌خواندند. پس از آن مقتل خوانی یا نقل توصیفی واقعه حزن‌انگیز کربلا رواج یافت. شاگرد او ابوالمؤید موفق خوارزمی (م. ۵۶۸ ق) احادیث و قصص مذهبی و صف فضائل پیامبر اسلام (ص) و خاندان او را گردآوری و تدوین نمود. وی حماسه‌نامه‌ای در وصف اوضاع پیرامون شهادت امام حسین^(ع) نوشت که مقتل خوارزمی نام دارد. واژه روضه خوانی و عنوان روضه خوانی در اوایل عصر صفوی پدید آمد و پیش از آن، این اصطلاح وجود نداشت. روضه‌خوانان در عصر صفوی کار مناقب‌خوانان، مداحان و مرثیه‌سرایان گذشته را انجام می‌دادند. از سوی دیگر، جای قصه‌گویان و مقتل خوانان و حتی واعظان را هم گرفته بودند. از این زمان به بعد، و عظمی و خطابه و مرثیه‌سرایی در وجود روضه‌خوانان جمع شده و آنان با درهم آمیختن نظم و نثر، مردم را به گریه وا می‌داشتند.

۲-۲-۳- نوحه

در لغت به معنی مویه و زنجموره و در اصطلاح ادبی، شعری است که در سوگ تازه‌مرده یا امامان^(ع) بخوانند. نوحه، مردمی‌ترین شکل از شعر عاشورا و گونه‌ای مرثیه است که آهنگی ویژه دارد و شناخته‌ترین جولانگاه آن، آیین‌های عزاداری به ویژه مراسم سوگواری امام حسین^(ع) است. آنکه نوحه می‌خواند، نوحه‌خوان یا نوحه‌سرا نام دارد.

هنگامی که نوحه‌خوان، نوحه‌سرایی آغاز کند، نوحه‌گران اغلب به سینه‌زنی و گاه زنجیرزنی و حتی قمه‌زنی می‌پردازند. شعرهای نوحه که می‌توان آن را بخشی از ادبیات عامه‌پسند برشمرد، وزن عروضی دارند، اما در سنجش با دیگر قالب‌های سنتی شعر فارسی، در وزن و قافیه، تنوع‌پذیرتر هستند؛ همچنین، تساوی مصراع‌ها در این نوع شعرهای دینی چندان اهمیتی ندارد و رعایت نمی‌شود. پیدایش شکل نوحه، بر اساس نیاز زمان و برای تأمین متن مدیحه‌خوانان و نوحه‌گران بود. نوحه در ذات خود با شعر عاشورایی تفاوت‌هایی دارد که از آن جمله، سادگی آن در مقام مقایسه با اشعار فخیم و جزیل بود. غالباً بندی برای ترجیع و تکرار با خود دارد. افاعیل عروضی هم در آن سلامت کامل را ندارد و گاه بحور در آن آمیخته می‌شود. سادگی نوحه رفته‌رفته آن را از حوزه شعر و عناصر آن خارج کرد؛ اگر چه در عصر معاصر تحت تأثیر آموزه‌های آن، بعضی از نوحه‌ها نیز مضمون‌گرا شدند و بسیاری از نوحه‌سرایان با عنایت به رسالت خود و تأثیر شگرف نوحه‌ها در مخاطبان و با رویکردی جدی به مفاهیم ارزشی موجبات تطور محتوایی نوحه‌های عاشورایی را فراهم آوردند. خاستگاه یا گسترش نوحه و نوحه‌خوانی را باید دوره صفویه دانست، اما تا پیش از دوره قاجاریه (۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق/ ۱۵۰۲-۱۷۳۵م) دیوان اشعاری که شامل نوحه‌های جدی باشد، یافت نمی‌شود. نخستین شاعری که بخشی از دیوانش به نوحه اختصاص یافته، یغمای جندقی (م. ۱۲۷۶ ق) است. وی با نوآوری‌هایی که در شعر عاشورا پدید آورد، این گونه عاشورایی را شکل داد.

می‌رسد خشک لب از شط فرات، اکبر من نوجوان اکبر من

سیلابی بکن ای چشمه چشم تر من نوجوان اکبر من

کسوت عمر تو تا این خم فیروزه نمون لعلی آورد به خون

گیتی از نیل عزا ساخت سیه معجر من نوجوان اکبر من

(یغمای جندقی، ۱۳۶۷: ۸۷۶)

پس از او سروش اصفهانی (م. ۱۲۸۵ ق) دو اثر ماندگار در این زمینه به‌وجود آورد:

شصت‌بند که به یاد شهیدان کربلا سروده شده است، با این مطلع:

ای دیده خون‌بیار که ماه محرم است نزد خدای دیده‌گریان مکرم است

(محمّدزاده، ۱۳۸۳: ج ۲، ۹۰۲)

از دیگر چهره‌هایی که آثاری در این حوزه آفریدند، می‌توان از عبدالجواد جودی خراسانی (م. ۱۳۰۲ق)، صامت بروجردی (۱۲۶۲-۱۳۳۱ق)، میرزا ابراهیم بروجردی (م. ۱۳۴۰ق) و تفرشی (۱۲۸۴-۱۳۴۴ق) نام برد.

ارتباط نوحه با موسیقی از روضه بیش‌تر است؛ زیرا اشعار نوحه که برای سینه‌زنی سروده می‌شود، دارای ریتم و وزن به‌خصوصی است که با آهنگ بعضی از گوشه‌های آواز ایرانی اجرا می‌گردند و غالباً حالت تصنیف به‌خود می‌گیرند. نوحه عامل بسیار بزرگی برای نگهداری و اشاعه موسیقی ملی ما بوده است (شعبانی، ۱۳۵۲: ۲۸).

میرزا تقی خان امیرکبیر صدر اعظم ناصرالدین شاه نیز توجه خاصی بدان معطوف کرد و حتی بعضی از شعرا را وادار نمود که اشعاری برای تعزیه بسرایند.

نوحه و نوحه‌سرایی در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش/ ۱۹۲۵-۱۹۷۸م) از رونق افتاد و در واقع سرکوب شد که نتیجه مخالفت رضاشاه با برگزاری این نوع آیین‌ها و اصولاً مذهب‌ستیزی او بود. وی که پیش‌تر به منظور جلب توجه مردم، پیشاپیش دسته‌های نوحه‌خوان و عزادار حرکت می‌کرد، با به قدرت رسیدن یا به واسطه تحولی که در او پیدا شد، با نوحه‌خوانی و راه انداختن دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی به مخالفت برخاست.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی (بهمن ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۸م) و به ویژه در سال‌های درگیری جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ ش/ ۱۹۸۰-۱۹۸۸م) نوحه و نوحه‌خوانی دوباره شکوفا شد. این بار جولانگاه نوحه و نوحه‌سرایی - جدا از مراسم و آیین‌های دینی و سوگواری - شب‌های عملیات جنگی بود. مهم‌ترین هدف از برگزاری این نوع مراسم، تقویت روحیه جنگی رزمندگان و ایجاد حسّ همدلی با شهیدان عاشورا در آنان بود. تعدادی از نوحه‌سرایان دو دهه اخیر با عنایت به رسالت خود و تأثیر شگرف نوحه‌ها در مخاطبان و یا رویکرد جدی به مفاهیم ارزشی، موجبات تطوّر محتوایی نوحه‌های عاشورایی

را فراهم آورده‌اند. اکبر قلمسیاه یکی از کسانی است که با دقت تمام در وزن و آهنگ و لحن حماسی و ظرافت مضمون‌پردازی و فاصله‌گرفتن از بیان و فرهنگ ضعیف عوام، نوحه‌هایی عاشورایی سروده است:

ای حامی دین، ناصر حق، یاور رهبر از نام تو لرزان شود اندام ستمگر
 نادیده کسی چون تو سلحشور فداکار نشنیده کسی چون تو سپهدار دلاور
 ای جان به فدای تو گرانمایه برادر و ان یاری و جانبازی تا لحظه آخر
 ای ماه بنی‌هاشم، ای میر علمدار ای ساقی اهل حرم، ای سید و سالار
 (قلمسیاه، ۱۳۷۹: ۴۵)

۲-۲-۴- تابوت‌واره

شیعیان جهان، به‌ویژه شیعیان ایران در مراسم سالگرد شهادت شهیدان دینی خود، شعار (ساز و برگ)‌ها و صندوق‌های آرایه‌بندی شده‌ای را در دسته‌های عزا می‌گردانند که اگرچه تابوت نیست، اما مظهر و نمادی از تابوت و تابوت شهید به‌شمار می‌آید. این تابوت‌های نمادین یا تمثیلی را که در اینجا از آنها به «تابوت‌واره» تعبیر می‌شود به شکل‌های گوناگون و شبیه به صندوق گور، ضریح و گنبد و بارگاه می‌سازند و در حوزه‌های جغرافیایی مختلف ایران به نام‌های نخل، حجله، شیدونه، دُغْدُغَه، شش‌گوشه، نهر علقمه، شطّ فرات و جز آن می‌نامند.

۲-۲-۴-۱- نخل

نخل‌گردانی از مراسم سنتی دیگر مردم ایران به‌ویژه مردم حوزه جغرافیایی - فرهنگی کویری مثل یزد و برخی از شهرهای استان مرکزی، تهران و خوزستان می‌باشد و آن وسیله‌ای بزرگ و اتاقکی چوبی و بزرگ به شکل مکعب مستطیل با سقفی دو شیبی یا تخت که دو جبهه پیش و پس آن را معمولاً جناغی شکل و سرونما با سطحی مشبک و کناره‌های کنگره‌ای می‌سازند.

۲-۲-۴-۲- حجله

اتاقکی است به شکل‌های گوناگون و رایج در بسیاری از شهرهای ایران که حجلهٔ تهرانی‌ها معروف است. این حجله را معمولاً از چوب و به شکل استوانه با چند ستون و سقف گنبدی یا تخت بر روی طبقی مدور می‌سازند. سطح ستون‌ها و دور تا دور دیوارهٔ بالای حجله تا زیر سقف را آینه کاری و با کاغذهای رنگین یا با نقاشی تزیین می‌کنند و گوی‌های رنگارنگ و پرهای الوان از آن می‌آویزند و شمع، فانوس و چراغ لاله در آن می‌افروزند (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۲۹-۳۰).

۲-۲-۴-۳- شیدونه

شیدونه، اتاقکی چوبی و به شکل مکعب مستطیل و شبیه ضریح است. رویهٔ دیواره‌ها و ستون‌های آن را رنگ آمیزی و نقاشی کرده و با زرورق‌های رنگین، طلائی و نقره‌ای پوشانده‌اند. ابیاتی نیز در رثای شهیدان روی نواری در دور تا دور شیدونه نوشته‌اند. شیدونه در حوزه جغرافیایی - فرهنگی خوزستان به‌ویژه در شهرهای دزفول و شوشتر همراه نخل به کار می‌رود (همان، ۳۲-۳۳).

۲-۲-۴-۴- دُغْدُغِه

تخت روانمانندی است که عزاداران حضرت علی^(ع) و امام حسین^(ع) در مراسم سوگواری آنان در شهر قم با خود حمل می‌کنند. در گذشته، دغدغه را با پارچه‌های سیاه می‌پوشاندند و رویش عمامهٔ سبز، شمشیر و دیگر سلاح‌های جنگی می‌گذاشتند (فقیهی، ۲۹۱).

۲-۲-۴-۵- شش گوشه

صندوقی چوبی شش ضلع و شبیه ضریح شش گوشهٔ امام حسین^(ع) است. نمای بیرونی آن رنگ آمیزی و به صورت زیبایی نقره کاری شده است. اشعاری بر دور تا دور، زیر سقف و روی ستون‌ها و بخش‌هایی از معجر (محجر) آن نوشته‌اند. شش گوشه را دسته‌های عزاداری شهر کاشان در روز شش محرم که در محل به نام روز شش گوشه معروف است، حمل می‌کنند (ابوالفضلی، ۱۳۷۱: ۱۵۳).

۲-۲-۴-۶- **نهر علقمه و شطّ فرات:** دو اتاقک آرایه‌بندی شده است: یکی شبیه و نماد ضریح مرقد و قتلگاه حضرت عباس^(ع) در کنار نهر علقمه (شاخه‌ای از رودخانه فرات) و دیگری شبیه و نماد بارگاه و خیمه حضرت امام حسین^(ع) در کنار شطّ فرات (همان، ۱۵۶).

۲-۲-۴-۷- **تعزیه:** در میان شیعیان عراق و شبه‌قاره هند این نوع تابوت‌واره‌ها را که شبیه ضریح و بارگاه امام حسین^(ع) می‌سازند، تعزیه می‌نامند.

۲-۲-۴-۸- **امام‌باره:** به مفهوم «امام‌خانه» همان حسینیه یا عزاخانه است. همچنین بناهایی در سرزمین هند که شیعیان برای برگزاری مراسم مذهبی خاص خود، در ماه محرم، در آن‌ها گرد می‌آیند، نیز گفته می‌شود. نخستین بار نواب صفدر جنگ (۱۱۶۷ ق / ۱۷۵۴ م) فرمانروای ایالت اوده، در دهلی ساختمانی برای برگزاری مراسم عزاداری محرم بنا نهاد که می‌توان آن را نخستین نمونه امام‌باره دانست (دهلوی، ۱۹۷۴: ج ۱، ۲۲۱). در روزهای سوگواری غالباً مرسوم بوده است که امام‌باره را چراغانی کنند؛ چنان‌که شوشتری (۱۲۲۰ ق / ۱۸۰۵ م) نوشته است: «امام‌باره آصف‌الدوله را با شمع و چراغ، آینه‌ها و اسباب طلا و جواهر آذین می‌بستند». (شوشتری، ۱۳۷۷: ج ۲، ۴۲۴)

۲-۲-۵- **طشت گردانی:** از دیگر مراسم سنتی در بعضی از شهرهای ایران من جمله اردبیل «طشت گردانی» است. طشت‌های آب را در مساجد و حسینیه‌ها می‌آورند و آن رمزی از فرات است. از سه روز مانده به محرم در مسجد جامع، مسجد اعظم و سپس در مساجد دیگر طشت‌هایی را بالای سر می‌گیرند و مسجد را دور می‌زنند، سپس در داخل آن‌ها آب می‌ریزند. مردم دست به طشت و آب آن می‌زنند که به معنای نوعی بیعت با امام حسین^(ع) و حمایت از حضرت عباس^(ع) است.

۲-۲-۶- **حمل علم، کُتل، بیرق، پنجه، توغ:** برای دسته گردانی، هر محله علم یا علامت مخصوص به خود داشته است که از علم‌های محله‌های دیگر متمایز بوده و هنگام عزاداری، اهل محل به دنبال آن به راه می‌افتادند و سینه‌زنی و نوحه‌خوانی می‌کردند.

۲-۲-۶-۱- **علم:** پرچمی است که در مراسم دینی حمل می‌شود و آن قطعه‌ای پارچه منقوش به نشانی خاص و یا رنگی خاص که معمولاً به میله‌ای آویخته می‌شود. ابن

خلدون تاریخ استفاده از عَلم را به آغاز خلقت انسان می‌رساند (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ج ۱، ۲۵۸). درحالی که گفته‌اند: «این تاریخ تا حدود پنج هزار سال پیش قابل پی‌گیری است» (خیراندیش، ۱۳۷۰: ۲۵۷). در میدان کربلا، علمدار لشکر امام حسین^(ع)، حضرت عباس^(ع) بود (مفید، ۱۳۵۱: ج ۲، ۴۴۷).

۲-۲-۶-۲- علامت: در آغاز، علم‌ها بسیار بلند بودند اما در اواخر عهد صفوی علم‌ها کوتاه‌تر و پهن‌تر شدند به طوری که علم‌های مراسم کنونی محرم پدید آمد. این علامت‌ها نشانه گروه‌های عزادار محسوب می‌شده است و کسانی هم که آن را حمل می‌کردند «علامت‌کش» بودند یعنی علم‌بردار. به نوشته دهخدا (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه عَلم) صلیب مانندی که بر چوب یا آهن افقی آن از سوی پایین شال‌های ترمه آویزند و از سوی زبر، لاله و تندیس‌هایی از مرغ و جز آن نصب کنند و در میان زبان‌های از فلز طویل دارد و بر نوک آن فلز پر یا گلوله‌ای از شیشه‌الوان نصب کنند و این زبان‌های فلزی که به «تیغ» مشهور است ۳ یا ۵ باشد و در مراسم عزاداری محرم پیشاپیش دسته‌ها به حرکت آورند. در دوران ناصرالدین شاه، عَلم تکیه دولت که آن را عَلم سلطنتی می‌نامیدند، با مراسم پر شکوهی حمل می‌شد. روضه‌خوان‌ها نیز علم خاص خود را داشتند.

۲-۲-۶-۳- کُتل: علم بزرگی است که در دسته‌های عزاداری حرکت می‌دهند و آن علمی است که قسمت فوقانی آن را پیراهن بی‌آستین مانندی می‌پوشانند.

۲-۲-۶-۴- پنجه: پیکره و نقش دست از مشت تا سر پنج انگشت که آن را از مس، برنج، ورشو، نقره یا طلا می‌سازند و بر روی کاغذ، پارچه و چیزهای دیگر می‌اندازند و همچون نماد قدرت و قداست یا طلسم و تعویذ دفع شرّ و بلا به کار می‌برند. شیعیان عموماً آن را مظهري از پنج تن آل‌عبا و یا نشانی از دست بریده حضرت عباس^(ع) می‌دانند (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۱۰۰)؛ مسلمانان جنوب هند، آن را نمادی از دست علی^(ع)، فاطمه^(س) و عباس علمدار می‌دانند. هندیان مسلمان پنجه‌ای را در روزهای اول، سوم یا چهارم محرم به هنگامی که «عاشورخانه‌ها» را می‌آرایند، کنار علم می‌گذارند و زیارت می‌کنند در دیگر کشورهای اسلامی نیز در دسته‌های عزاداری این علامت وجود

دارد(فرهنگ، ۱۳۸۰: ۳۰۸؛ شهرستانی، ۱۳۷۷: ۳۶۲-۳۶۳؛ بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۲۸-۲۹).

۲-۲-۶-۵- **توغ، توق، طوغ، طوق:** به معنی علم و نشان و از جمله وسایل تزئینی دسته‌های عزاداری است؛ و آن پایه‌ای است که بر روی آن یک صندوق و بر روی صندوق، زبانه بلندی قرار دارد و شالی نیز بر سر زبانه می‌بندند و یک نفر آن را حمل می‌کند. در قدیم بر سر میله به جای پرچم، منگوله‌ای از دُم اسب یا پشم و ابریشم می‌آویختند و برای تعیین مکان گرد آمدن سپاه از آن استفاده می‌کردند(دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه توغ).

۲-۲-۷- **تابوت گردانی:** حمل و گرداندن تابوت‌واره‌های تمثیلی به قصد تشییع نمادین پیکره شهیدان در آیین‌های سوگواری را تابوت گردانی می‌گویند.

پیشینه در ایران اسلامی: بنا بر گزارش‌هایی از اوایل سده پنجم هجری شیعیان محله کرخ بغداد به هنگام رفتن به زیارت مزار امیرمؤمنان و سیدالشهداء^(ع)، دستگاه‌هایی آرایه‌بندی و طلاکاری شده به نام منجیق با خود حمل می‌کردند(ابن جوزی، ۱۳۵۹: ج ۸، ۷۸-۷۹). منجیق نخستین و قدیم‌ترین شعار مذهبی شیعیان و مظهری از تابوت یا صندوق گور یا ضریح امام اول و سوم شیعیان بوده است. در قرون اخیر در مراسم عزاداری امام حسین^(ع)، تابوتی در دسته‌های سوگواری حمل می‌شود که نماد شهیدان کربلاست. در مناطق مرکزی ایران، یزد، نایین، کاشان، تبریز و برخی از روستاهای کویری نیز مراسم «تابوت گردانی» رواج داشته است.

۲-۲-۸- **سینه‌زنی، زنجیرزنی، قمه‌زنی**

۲-۲-۸-۱- **سینه‌زنی:** از مراسم سنتی عزاداری برای سیدالشهداء^(ع) و دیگر ائمه مظلوم که همراه نوحه‌خوانی و با آهنگی خاص بر سر و سینه می‌زنند، سینه‌زنی می‌گویند. دسته‌گردانی و سینه‌زنی و نوحه‌خوانی که در زمان صفویه رایج شده و توسعه پیدا کرده بود، در عصر قاجاریه با توسعه و تجمل بیشتر در پایتخت رواج یافت. دسته‌گردانی در عصر قاجار به‌ویژه در زمان ناصرالدین شاه با آداب و تشریفات و تجمل بسیار برگزار

می‌شد. دسته‌های روز با نقاره و موزیک جدید و علم و بیرق و کتل و دسته‌های شب با طبق‌های چراغ زنبوری و حجله و مشعل به راه می‌افتادند و در فواصل دسته سینه‌زن‌ها با آهنگ موزون سینه می‌زدند (مشحون، ۱۳۵۰: ۲۶).

۲-۲-۸-۲-۲- زنجیرزنی: از سنت‌های عزاداری در ایران است. در پاکستان و هندوستان نیز این شیوه از دیرباز رواج داشته است. مجموعه‌ای از حلقه‌های ریز متصل به هم که به دسته‌ای چوبی یا فلزی وصل می‌شود «زنجیر» نام دارد و آن را در ایام عاشورا، به صورت دسته‌جمعی و در هیئت‌های عزاداری، همراه با نوحه‌خوانی بر پشت می‌زنند و گاهی جای آن کبود یا مجروح می‌شود. غالباً این مراسم با سنج همراه است. این شیوه عزاداری که اغلب همراه با خون آمدن از پشت زنجیرزنان است، به‌ویژه در برخی مناطق و ملت‌ها که تیغ‌هایی هم به زنجیر می‌بستند، در گذشته چون در دید برخی غیرمسلمانان تأثیر سوء داشت، برخی علما به حرمت آن فتوا دادند.

۲-۲-۸-۳- قمه‌زنی: از مراسمی است که در بعضی از شهرستان‌ها و بلاد شیعی و توسط برخی از عزاداران امام حسین^(ع) اجرا می‌شود و در تاسی به مجروح و شهید شدن سیدالشهداء^(ع) و شهیدان کربلا و به عنوان اظهار آمادگی برای خون دادن و سر باختن در راه امام حسین^(ع) انجام می‌دهند. عاشورا صبح زود با پوشیدن لباس سفید و بلندی همچون کفن، به صورت دسته‌جمعی، قمه بر سر می‌زنند و خون از سر بر صورت و لباس سفید جاری می‌شود. بعضی هم برای قمه‌زنی، نذر می‌کنند. برخی هم چنین نذری را دربارهٔ کودکان خردسال انجام می‌دهند و بر سر آنان تیغ می‌زنند در حدی که از محل آن خون جاری گردد. قمه‌زنی نیز مثل زنجیرزنی و شبیه‌خوانی از دیرباز مورد اختلاف نظر علما و پیروان و مقلدین آنان بوده و به استفتا و افتای مبنی بر جواز یا عدم جواز از آن می‌پرداخته‌اند. این مراسم از نظر شرعی پایه و مبنای دینی ندارد.

۲-۲-۸-۴- شور زدن: از اصطلاحات خاص عزاداری و نوحه‌خوانی است. وقتی سینه‌زن یا زنجیرزن به اوج احساسات خود می‌رسد، آهنگ حرکات و صداها سریع‌تر و پرشورتر می‌شود.

۲-۲-۹- **طبل:** طبل نام عمومی هریک از سازهای کوبی متنوعی که عموماً یک جسم یا تنهٔ مجوف (معمولاً مخروطی یا استوانه‌ای شکل) دارند که یک یا دو پوست بر دهنه یا دو دهنه آن کشیده شده است و با دست‌ها یا میله‌های چوبی نواخته می‌شود. کار اصلی طبل احداث ضرب است. که در دسته‌های عزاداری نیز همراه سینه‌زنی و زنجیرزنی طبل نواخته می‌شود.

۲-۲-۱۰- **سنج:** نام ابزاری که به صورت یک جفت صفحه گرد مسین یا روین یا برنجی، با دستگیره‌ای در قسمت بیرونی است و در دسته‌های عزاداری و زنجیرزنی به هم می‌زنند و با صدا و آهنگ شورآفرین آن، به نوحه‌خوانی می‌پردازند.

۲-۳- نقد و بررسی نمادهای عاشورایی

قیام عاشورا که با درون مایه‌ای از شهامت، شجاعت، ایثار و فداکاری امام حسین^(ع) و یاران اندکش شکل گرفت و به تاریخ شکل داد و به آیین آزادی و آزادگی و ستیز در برابر ستم و فریاد در رویارویی با خفقان شناخته گردید و انسان‌هایی که به آن قیام شکل دادند، در طول تاریخ به عنوان نمونه و سرمشق بشریت شناخته شدند؛ زیرا هدف والای آنان به تصویر کشیدن اوج آرمان‌های انسانی بود، آرمان‌هایی چون فداکاری، ثبات عقیده و ایمان، وفای به عهد، اخلاص، عدالت‌خواهی و سایر ارزش‌های انسانی. هر چند نمادهای عاشورایی می‌توانست بهترین وسیله برای ابراز همدردی با خاندان پیامبر اسلام(ص) در طول تاریخ باشد؛ ولی راه یافتن بدعت‌ها، تحریف‌های شکلی و محتوایی، دروغ پردازی‌ها، افراط‌کاری‌ها، اشاعه خرافات، عوام‌پروری‌ها، انحراف از واقعیت‌ها، به هدر دادن اوقات و اموال، تخدیر مغزها و نمایش‌های بد منظر در برخی از مراسم عزاداری و در یک کلام تهی شدن قیام عاشورا از اهداف عالی و اولیة آن، دست‌آویزی فراهم آورد تا حکمرانان آل‌بویه و صفویه و قاجاریه و دیگر دیکتاتورها سوار بر موج جهل و خرافه تودهٔ مردم خود یک‌تاز عرصهٔ عزاداری بر قیام عاشورا و گریه بر امام حسین^(ع) و خاندان و یارانش گردند. مجلس‌ها بیاراستند و خود در صفوف عزاداران بر آن امامی گریستند که به‌خاطر مبارزه با

ظلم و ستم و بدعت، شهادت را بر ادامه زندگی ترجیح داد.

۲-۴- آسیب‌های عاشورایی

با فاصله گرفتن وضعیت موجود عزاداری برای امام حسین^(ع) از وضعیت مطلوب آن آسیب‌هایی بر پیکره این نهضت وارد آمد که با تعمیق آن فاصله‌ها این آسیب‌ها بیشتر و بیشتر گردید. وضعیت مطلوب همان توصیه‌ها، اهداف و عملکردهای بازماندگان آن فاجعه (خانندان پیامبر) برای بزرگداشت و ماندگاری آن نهضت بوده است.

این آسیب‌ها عبارتند از:

۲-۴-۱- افراط‌کاری در به‌کارگیری بعضی نمادهای عاشورایی مثل زنجیرزنی و قمه‌زنی که موجب آزار جسم می‌شود.

۲-۴-۲- شبیه‌سازی و تعزیه‌های دروغین مثل تعزیه عروسی قاسم و دوظفلان مسلم که هیچ‌گونه استناد تاریخی ندارند.

۲-۴-۳- جایگزینی آواهایی غریب و مغلوب ریتم‌های تند و غیر جاذب که هیچ قرابتی با موسیقی دلنشین نوحه و نوحه‌سرایان واقعی ندارد. بدعت‌گذاری‌های حیرت‌انگیزی که توسط اشخاص و افرادی که نه صدای خوش دارند و نه ذوق مرثیه‌سرایی، در نوحه‌های معاصر صورت گرفته و میراث‌های شکوهمند چندین سده را زیر سؤال برده است.

۲-۴-۴- تنزل دادن روح سترگ و سازش‌ناپذیر امام حسین^(ع) را به فردی در حضيض زبونی و ذلّت که در مصاف با دشمن برای جرعه‌ای آب، عجز و لابه می‌نماید و یا آرزوی دامادی فرزند دلاور خود را دارد.

۲-۴-۵- در روضه‌خوانی‌ها و مرثیه‌سرایی‌ها استفاده از مداحان کاسب و واعظان بی‌سواد جهت ارائه چهره‌ای مخدوش از قهرمانان و بازماندگان آن نهضت غرورآفرین با هدف گریاندن صرف مردم بر تشنگی و مظلومیت آنان.

۲-۴-۶- ارائه تصویری نابخردانه از عجز و لابه‌ها با دست زدن به اعمالی چون به سر و روی و سینه‌زدن‌ها و خاک و کاه و گل بر سر و روی ریختن.

۲-۴-۷- استفاده از نمادهایی که وارداتی و بیشتر نماد ادیان دیگر تلقی می‌شود؛ مثل استفاده از عَلم در دسته‌جات مذهبی.

۲-۵- راهکارهایی جهت آسیب‌زدایی

در این نوشتار ارایه پیشنهادی عینی و ملموسی که بتواند ما را در راستای هدف غایی پژوهش یاری نماید، موثر است. همان‌گونه که گفته شد وضعیت مطلوب عبارتست از: اهداف، روش‌ها و عمل‌کردهای بازماندگان نهضت عاشورا از خاندان پیامبر اکرم (ص) در بزرگداشت آن حادثه عظیم، پس هر گونه ارایه راهکاری باید منوط به رجوع به آن اهداف، روش‌ها و عملکردها باشد که نمونه‌های آن عبارتند از:

- شناخت اهداف امام حسین^(ع) از آن نهضت خونبار که جز ایستادگی در برابر ظلم و انحراف اسلام از مبانی اولیه آن نبود.

- تکریم و احترام به شهیدان آن قیام با بیان واقعی لحظه به لحظه رخدادها در روز عاشورا.

- عمومی سازی فرهنگ عاشورا با تشویق مردم بر گریستن آگاهانه و یادآوری مداوم آن خاطره حتی در موقع نوشیدن آب گوارا.

- تشویق شاعران به سرودن اشعار نغز و حماسی در رثای شهیدان کربلا.

برای دستیابی به اهداف فوق، چاره‌ای نیست، جز این‌که:

۲-۵-۱- برای نقل حادثه عاشورا به منابع معتبر و دست‌اول عاری از جعلیات و خرافات، اتکا شود.

۲-۵-۲- با کارهای مخالف شئون مذهبی مانند: قمه‌زنی، نوحه‌خوانی‌های سخیف، اغراق‌گرایی‌های جاهلانه و هر گونه عزاداری که منجر به آزار جسم گردد، مبارزه‌ای تبلیغاتی و مداوم پی‌ریزی شود.

۲-۵-۳- تشویق شاعران در ارایه اشعار سوزناک با معانی بلند و حماسی و مطابق با روح نهضت حسینی.

۲-۵-۴- استفاده از روضه‌خوانان و مداحان باسواد، محقق، خوش‌سیما و خوش‌صدا و

- آشنا ساختن آنان با اهداف و فلسفه قیام عاشورا با ارایهٔ مقتل و روضهٔ صحیح و مستند.
- ۲-۵-۵- جداسازی تعزیه‌ها و نوحه‌های دروغین و غلوآمیز و ارایهٔ متون تعزیه‌های صحیح و منطبق با واقعیات.
- ۲-۵-۶- برگزاری همایش‌های علمی و پژوهشی برای تبیین درست اهداف عاشورایی و انطباق آن با نیازهای امروزی انسان مسلمان.
- ۲-۵-۷- ارایهٔ درس‌نامه‌های اصولی و دانشگاهی برای جلوگیری از ورود متن‌های سخیف به فضای علمی و دانشگاهی.
- ۲-۵-۸- اختصاص پایان‌نامه‌های تحصیلی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری به مباحث مرتبط با قیام امام حسین (ع).
- ۲-۵-۹- برگزاری میزگردهای کارشناسانه در فضاهای رسانه‌ای، دانشگاهی، اداری و مذهبی (مساجد).
- ۲-۵-۱۰- برگزاری دوره‌های توجیهی و دانش‌افزایی هیئت‌های عزاداری پیش از محرم.
- ۲-۵-۱۱- آموزش اصولی نونهالان و نوجوانان با مفاهیم ارزشی عاشورا از دبستان و سال‌های آغازین تحصیل.

۳- نتیجه‌گیری

پس از نخستین روزهای وقوع عاشورا تا کنون مراسم بزرگداشت قیام امام حسین (ع) در هر سرزمین و منطقه‌ای به گونه‌ای خاص برگزار می‌گردد. گروه‌های اجتماعی، با هر جنسیت و مقامی، ضمن برگزاری آیین‌های خاص بومی و محلی خود؛ به گسترش و غنای معنوی آن کمک کرده‌اند. مسلمانان هر کشوری، متناسب با باورها و عقاید خود، شیوه‌های گوناگونی برای این مراسم ایجاد و از نمادهای ویژه‌ای استفاده کرده‌اند.

۳-۱- واقعهٔ عاشورا به هر منطقه‌ای که رسیده، شکلی نو یافته و نمادهای عاشورایی معنا و مفهومی خاص یافته است. گاه این علاقه‌مندی با آسیب‌هایی همراه است که موجب وهن این سنت مذهبی قرار می‌گیرد. بیم آن می‌رود با برداشت‌های نادرست از این رویداد، پیام

رسای امام حسین^(ع) فراموش شود و اساس نهضت عاشورایی از معانی متوجه الفاظ و ابعاد وسیع فلسفه ستم‌ستیزی و مبانی ژرف عقیدتی آن ناشناخته بماند.

۳-۲- به‌ظاهر آن‌چه از بدعت‌ها، اشاعه خرافات، عوام‌پروری‌ها، انحراف از واقعیت‌ها، نمایش‌های بد منظر در برخی از مراسم عزاداری و... مشاهده می‌شود، باعث شده که ما از این‌که چه می‌کنیم و در چه زمان و مکانی به‌سر می‌بریم، غافل بمانیم. نباید سرمایه‌های غنی و معنوی عاشورا با بدعت‌ها و انحراف‌ها آمیخته گردد.

۳-۳- نباید شبیه‌سازی‌ها، تعزیه‌ها، به‌سر و روی و سینه‌زدن‌ها و خاک و کاه و گل بر سر و روی ریختن‌ها، قمه‌زنی‌های ناشایست، تصویری نابخردانه از عجز فرهنگی و علمی شیعه را نمایش دهد. باید آن همه شهادت‌ها، شجاعت‌ها، جانبازی‌ها، و بالاخره فلسفه قیام را در پیام امام^(ع) بجوییم و از هر کلمه و کلامش طرحی نو دراندازیم و آیین آزادی و آزادگی و ستیز در برابر ستم و فریاد در رویارویی خفقان را به سیره امام احیا و اقامه کنیم.

۳-۴- مواظب باشیم تا اهداف والای دلاوران نهضت پایداری عاشورا از اوج آرمان‌های انسانی به حسیض عوام‌فریبی و سفله‌پروری سوق پیدا نکند.

۳-۵- اگر ظلم‌ستیزی را یکی از دست‌آوردهای نهضت و قیام عاشورا برای نسل‌های بعدی بدانیم، بنابراین بزرگداشت و اقامه مراسم عاشورا از یک جهت باعث تقویت روحیه ستم‌ستیزی مردم و از سوی مورد بغض ستمگران و حکام جبار در هر زمان می‌شود. نتیجه معکوسی که از این فرایند حاصل می‌شود این خواهد بود که: در صورتی که زمامداری فاسد و ظالم، خود بانی مراسم عاشورا گردد و در آن مراسم حضور یابد، به احتمال قوی چنین مراسمی هیچ مغایرتی با شیوه رفتاری آن زمامدار ظالم ندارد.

۳-۶- یکی دیگر از جنبه‌های تحریف، تحریف‌های شکلی در مراسم بزرگداشت عاشورا است. بخش اعظم آن‌چه که در قالب نوحه‌خوانی در میان دسته‌های زنجیرزن و سینه‌زن امروز رواج دارد، آواهایی غریب و مغلوب ریتم‌های تند و غیر جاذب است که هیچ قرابتی با موسیقی دلنشین نوحه و نوحه‌سرایان این مرز و بوم ندارد. بدعت‌گذاری‌های حیرت‌انگیز اشخاص و افرادی که نه صدای خوش دارند و نه ذوق مرثیه‌سرایی، در نوحه‌های معاصر صورت گرفته و میراث‌های شکوهمند چندین سده را زیر سؤال برده

است. مداحی یک فن است که باید تعلیم داده شود.

۳-۷- تبیین صحیح قیام حسینی، ارائه مقتل و روضه صحیح و مستند، جلوگیری از خواندن مرثیه‌های دروغ و مرثیه‌خوانان ناصالح و مداحان کاسب و واعظان بی‌سواد و بی‌مطالعه می‌تواند به عنوان راهکارهایی جهت مقابله با این تحریف‌ها پیشنهاد گردند.

۳-۸- شعرا با سرایش اشعار نغز و بلند و پرمحتوا و عزت‌آفرین و منزله از هون و وهن و مبرای از تحجر و تعصب و به‌دور از اقتصار بر غم و اندوه و پرهیز از اکتفا به اشک و آه، بلکه حماسه آمیخته با ظلم‌ستیزی به کمک بزرگداشت این مراسم بیابند، می‌توانند گامی مؤثر در زدودن تحریف‌ها باشند.

۳-۹- با بررسی تطبیقی سیره بازماندگان از حادثه مصیبت بار عاشورا و عملکرد خاندان عترت و اهل‌بیت رسالت در بزرگداشت این رویداد اسفبار تاریخی از یک‌سو و روش‌های زمامداران از روزگار آل‌بویه و پس از آن در عصر صفویان و حتی در حکومت‌های معاصر به گونه‌ای علمی و تحقیقی مورد بازشناسی و واکاوی قرار گیرد تا با احیای سنت‌های حسنه، پاره‌ای از این بدعت‌های ناروا کاسته شود. در این صورت خواهد بود که درباره‌ی عاشورا، به شناختی ژرف و گسترده دست خواهیم یافت که پیام آن به همه انسان‌ها به نام یک وظیفه بزرگ انسانی و یک اقدام سترگ اسلامی، پیامی برای بشریت تا همیشه تاریخ است یعنی: «شهادت با افتخار، نه زندگی ننگبار».

فهرست منابع

- ۱- ابن ابی‌الحدید، عزالدین عبدالحمید بن محمد. (۱۳۸۵-۱۳۸۷ قمری / ۱۹۶۵-۱۹۶۷ میلادی). شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره.
- ۲- ابن اثیر، عزالدین علی بن احمد بن ابی‌الکرم. (۱۳۸۵-۱۳۸۶ قمری). الکامل فی التاریخ. بیروت: تحقیق مکتبه التراث.
- ۳- ابن اعثم کوفی، احمد. (۱۳۹۵ قمری / ۱۹۷۵ میلادی). الفتوح. حیدرآباد دکن.
- ۴- ابن جوزی، عبدالرحمان. (۱۳۵۹ قمری). المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک.

حیدرآباد دکن.

- ۵- ابن خلدون، عبدالرحمان. (۱۳۶۹ شمسی). **تاریخ ابن خلدون (العبر و الديوان المبتدا و الخبر)**. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- ابن سعد کاتب واقدی، محمد. (۱۴۰۵ قمری / ۱۹۸۵ میلادی). **الطبقات الكبرى**. تحقیق احسان عباس. بیروت: دار صادر.
- ۷- ابن عبدربه، احمد بن محمد. (۱۴۰۹ قمری). **العقد الفريد**. تحقیق علی شیری. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۸- ابن کثیر دمشقی، عمادالدین اسماعیل بن عمر. (۱۹۳۲ میلادی). **البدایه و النهایه**. قاهره.
- ۹- ابن ماجه. (۱۳۷۳ قمری / ۱۹۵۴ میلادی). **سنن ابن ماجه**. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی. قاهره: چاپ افست بیروت.
- ۱۰- ابن هشام، محمد بن عبدالملک. (۱۳۶۳ شمسی). **السیره النبویه**. تحقیق مصطفی السقا و دیگران. قم: انتشارات ایران.
- ۱۱- ابوالفضل، محمد. (۱۳۷۱ شمسی). **مراسم و نشانه‌های عزاداری ماه محرم در کاشان** (مجموعه مقالات اولین گردهمایی مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی). تهران.
- ۱۲- افسری کرمانی، عبدالرضا. (۱۳۸۱ شمسی). **نگرشی به مرثیه سرایی در ایران**. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۳- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۹۶-۲۰۰۰ میلادی). **انساب الاشراف**. تحقیق محمود فردوس العظم. دمشق.
- ۱۴- بلوکباشی، علی. (۱۳۸۰ شمسی). **نخل گردانی**. تهران.
- ۱۵- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ قمری / ۱۹۸۳ میلادی). **سنن ترمذی (الجامع الصحیح)**. تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف. بیروت.
- ۱۶- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ قمری). **مستدرک علی الصحیحین فی الحدیث**. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت.

- ۱۷- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی. (بی تا). **تاریخ بغداد**. بیروت: دارالکتب عربی.
- ۱۸- خوارزمی، حسین. (۱۳۶۷ قمری). **مقتل الحسین خوارزمی**. به کوشش شیخ محمد سماوی. نجف: مطبعه الزهراء.
- ۱۹- خیراندیش، رسول. (۱۳۷۰ شمسی). **ریشه‌یابی نام و پرچم کشورها**. تهران.
- ۲۰- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ شمسی). **لغت‌نامه**. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی. تهران.
- ۲۱- دهلوی، احمد. (۱۹۷۴ میلادی). **فرهنگ آصفیه**. دهلی.
- ۲۲- شعبانی، عزیز. (۱۳۵۲ شمسی). **شناسایی موسیقی ایرانی**. تهران.
- ۲۳- شفق، مجید. (۱۳۷۷ شمسی). **شاعران تهران از آغاز تا امروز**. تهران: انتشارات سنایی.
- ۲۴- شوشتری، قاضی نورالله. (۱۳۷۷ شمسی). **مجالس المؤمنین**. تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة.
- ۲۵- شهرستانی، صالح. (۱۳۹۳ قمری). **عزای حسین^(ع) از زمان آدم^(ع) تا زمان ما**. تهران.
- ۲۶- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۲ - ۱۳۸۷ قمری / ۱۹۶۲ - ۱۹۶۷ میلادی). **تاریخ الامم و الملوک (تاریخ الطبری)**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت.
- ۲۷- علائلی، عبدالله. (۱۹۷۲ میلادی). **الامام الحسین**. بیروت: دارمکتبه‌التربیه.
- ۲۸- فرهنگ، محمدحسین. (۱۳۸۰ شمسی). **جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان**. قم.
- ۲۹- فقیهی، علی اصغر. (بی تا). **تاریخ مذهبی: تاریخ جامع قم**. قم: انتشارات حکمت.
- ۳۰- قلمسیاه، اکبر. (۱۳۷۹ شمسی). **عروس سخن**. یزد: مؤسسه انتشارات گیتا.
- ۳۱- محتشم کاشانی. (بی تا). **دیوان مولانا محتشم کاشانی**. به کوشش مهر علی گرگانی. انتشارات کتابفروشی محمودی.
- ۳۲- محمدزاده، مرضیه. (۱۳۸۳ شمسی). **دانشنامه شعر عاشورایی**. تهران: سازمان چاپ

- و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳۳- مسعودی، علی بن الحسین. (۱۸۶۱-۱۸۷۷ میلادی). **مروج الذهب و معادن الجواهر**. تحقیق باریه دومنار و پاوه دوکورتی. پاریس.
- ۳۴- مشحون، حسن. (۱۳۵۰ شمسی). **موسیقی مذهبی ایران**. سازمان جشن هنر.
- ۳۵- معیرالممالک، دوستعلی. (۱۳۵۱ شمسی). **یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه**. تهران.
- ۳۶- مفید، محمدبن محمدبن نعمان. (۱۳۵۱ شمسی). **ارشاد**. ترجمه شیخ محمدباقر ساعدی خراسانی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۳۷- واقدی، محمدبن عمر. (۱۴۰۵ قمری). **المغازی**. تحقیق مارسدن جونس. قم: نشر دانش اسلامی.
- ۳۸- یافعی، عبدالله بن اسعد. (۱۴۱۳ قمری). **مرآة الجنان و عبرة اليقظان في معرفة ما يعتبر من حوادث الزمان**. مصر: دارالكتاب الاسلامی.
- ۳۹- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابی‌عبدالله. (۱۳۹۹ قمری). **معجم البلدان**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۴۰- یغمای جندقی، ابوالحسن. (۱۳۶۷ شمسی). **دیوان یغمای جندقی یغمای جندقی**. تصحیح سیدعلی آل داود. تهران: نشر توس.